

جایگاه کتاب در سیاست‌های فرهنگی کشور

احمد مسجد جامعی - قائم مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

فرهنگی را افزایش می‌داد. به این ترتیب، می‌توان نشانه‌های تحول ساختاری در حوزه فرهنگی «کتاب» را مشاهده کرد:

۱- افزایش تعداد عناوین، افزایش تعداد تولید کنندگان، حضور گروه‌های اجتماعی رو به رشد در جمع مخاطبان و استفاده کنندگان کتاب، شکل‌گیری نهادها و آیین‌نامه‌های مربوط به کتاب.

۲- با وجود رشد و تحولی که در بخش کتاب روی داده است، هنوز وضع آن مناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی نیست. به نظر می‌رسد، روند تحولات کتاب کندتر از روند تحولات فرهنگی و اجتماعی است. در حال حاضر برای هر ۱۰ روستایی، یک کتاب وجود دارد، و سرانه کتاب در کتابخانه مدارس یک کتاب است. میزان دسترسی اعضای کتابخانه‌ها به کتاب کاهش یافته است به این معنا که در سال ۱۳۶۵ به ازاء هر عضو ۱۱ جلد کتاب در دسترس بوده است، در حالی که این میزان در سال ۱۳۷۵ به دو جلد کاهش یافته است. در حالی که تعداد کتابهای کتابخانه‌ها در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ تنها ۷۲ درصد افزایش داشته است، تعداد اعضا هفت برابر شده است.

شرایط گفته شده، وضعیت اقتصاد و کتاب را در کشور ما علیرغم همه پیشرفتها به یک بیماری ظاهراً مزمن دچار ساخته است.

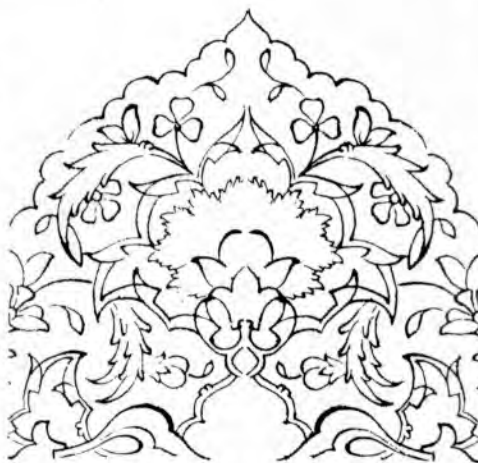
اجازه دهید، این بیماری را با عبارات حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی که هفت سال پیش به هنگام برگزاری نهمین دوره کتاب سال ایراد شده است، بیان کنم. در آن عبارات چنین آمده است:

«اقتصاد نشر هنوز اقتصادی بیمار و در خور تیمار و درمان است و سودآور شدن فعالیتهای فرهنگی از حیث اقتصادی گرچه مطلوب، اما دور از دسترس است، ولی بقاء و دوام و رونق فعالیتهای فرهنگی و هنری را دست کم در گرو تلاش همه جانبه برای جلوگیری از زیاندهی سرمایه گذاری در این بخش می‌دانم؛ اگر به این هنر نائل شویم از آن پس می‌توان از عشق و فداکاری اصحاب فکر و فرهنگ که بحمدالله کم نیست، انتظار شگفت‌آفرینی‌های فراوان داشت. حتی در وضعیت اقتصادی متعادل نیز برای رشد و ارتقاء فرهنگی جامعه و رواج آثار عمیق و غیر مبتذل چاره‌ای جز حمایت

مستقیم و غیر مستقیم دولت و ایجاد تسهیلات برای رونق فرهنگی مطلوب وجود ندارد. به خصوص اگر توجه داشته باشیم که کتابخوانان نوعاً افرادی با درآمد ثابت و توانایی اقتصادی محدود هستند که در اثر فشار زندگی اولین کالاهایی که از سبد هزینه‌شان خارج می‌شود، کتاب است.»



◀ نگاهی به وضعیت کتاب در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۶ نشان می‌دهد که تعداد عناوین چاپ شده از رقم حدود ۱۴۰۰ عنوان در سال ۱۳۵۶ به حدود ۱۴۰۰۰ عنوان در سال ۱۳۷۶ رسیده است، یعنی حدود ۱۰ برابر رشد داشته است.



آنچه می‌خوانید متن سخنان مسجد جامعی قائم مقام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است که در مراسم شانزدهمین دوره انتخاب کتاب سال و ششمین دوره اعطاء جایزه جهانی کتاب سال ایراد شده است.

با تقدیم سلام و تبریک دهه فجر بیستمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تشریف فرمایی رئیس محترم جمهوری و وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، همچنین حضور وزیر محترم فرهنگ و ارشاد دیگر میهمانان گرامی دهه فجر، سفر او کارداران و نمایندگان فرهنگی کشورهای مختلف در ایران، مؤلفان و مترجمان و ناشران و دیگر دست‌اندرکاران تولید و نشر کتاب را در این مراسم خیر مقدم عرض می‌کنم.

در طول دو دهه که از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد، تحولات مهمی در حوزه کتاب روی داده است. این تحول که همراه با تغییراتی مهم در ساخت اجتماعی و فرهنگی جامعه است، عرصه جدیدی را فرا روی سیاستگذاران فرهنگ می‌گشاید.

مهم‌ترین وجه تحول در حوزه فرهنگی «کتاب» فرآیند تخصصی شدن و ایجاد سازمان حرفه‌ای نشر در معنای وسیع آن - است. تخصصی شدن ناظر به شکل‌گیری حرفه‌های مختلف و به قصد فعالیت تخصصی خاص است، این فرآیند در درون نشر به معنای شکل‌گیری حرفه‌های مختلف است و در عملکرد معطوف به افزایش و تنوع عناوین کتابهای چاپ شده است. این امر باعث افزایش ظرفیت تولید در بخش کتاب شده است. نگاهی به وضعیت کتاب در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۶ نشان می‌دهد که تعداد عناوین چاپ شده از رقم حدود ۱۴۰۰ عنوان در سال ۱۳۵۶ به حدود ۱۴۰۰۰ عنوان در سال ۱۳۷۶ رسیده است، یعنی حدود ۱۰ برابر رشد داشته است.

در کنار آن، برای رشد و توسعه حوزه فرهنگی «کتاب» سیاستهای اطلاع‌رسانی و تشکیل مجامع و مراسم فرهنگی مورد تاکید قرار گرفت. برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب، برگزاری نمایشگاه‌های استانی، انتخاب کتاب سال، کتاب سال دانشجویی و کتاب سال جهانی، انتخاب خادمان نشر و استفاده از ظرفیت نهادهای مذهبی و اجتماعی نظیر کتابخانه‌های مساجد و سایر اماکن عمومی و فضاهای فرهنگی، کتاب را در مقام حوزه فرهنگی، شخصیت مستقلی بخشید.

سازمان نشر در حالی روند رو به رشد را طی می‌کرد که همزمان با آن تغییرات شگرفی در ساخت اجتماعی و فرهنگی روی می‌داد. فرآیندهایی چون افزایش سطح سواد، گسترش مراکز آموزش عالی، رشد شهرنشینی، گسترش رسانه‌ها، تقاضا برای فعالیتها و محصولات

عبارات پیشگفته را اکنون نیز می‌توان به منزله حرف دل دست اندرکاران نشر - چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی - بازگو کرد.

یکی از عوامل دیر پای این وضعیت ضربه‌های اقتصادی است که تحولات قیمت کاغذ موجب آن است. یکی از ناشران که از من خواسته است تا سخن‌اش را در اینجا به سمع شما برسانم، مساله کاغذ را این گونه جمع بندی کرده است:

«کاغذ مهم‌ترین ماده‌ی اولیه‌ی صنعت نشر و تاثیر گذارترین جزء بر قیمت تمام شده‌ی کتاب است. آن بخش از تولید کارخانه‌های داخلی که در اختیار وزارتخانه قرار می‌گیرد تا به ناشران تخصیص یابد، بیش از یک سوم مصرف ناشران را تامین نمی‌کند. به همین سبب، در اختیار داشتن کاغذ ارزان قیمت خارجی برای تأمین دو سوم باقی مانده‌ی مصرف الزامی است. در سال ۱۳۷۱ که قیمت کاغذ وارداتی ناگهان افزایش یافت، تعداد عنوانهای منتشر شده نسبت به سال ۱۳۶۹، ۸/۶۴ درصد کاهش یافت و از تیراژ کتابها هم ۴۰/۸۲ درصد کاسته شد. در نتیجه، ما شاهد ۳۵/۲۲ درصد کاهش در تیراژ متوسط کتابهای منتشر شده بودیم که حتی در پایان سال ۱۳۷۶ نیز جبران نشد. یعنی این که تیراژ متوسط سال ۱۳۷۶ همچنان ۱۹/۲۷ درصد کم‌تر از سال ۱۳۶۹ بود. تخصیص نیافتن به موقع ارز موجب شد که در ماههای گذشته، قیمت کاغذ در بازار آزاد از کیلویی ۲/۸۰۰ ریال به ۷۰۰۰ ریال، یعنی ۱۵۰ درصد افزایش یابد.»

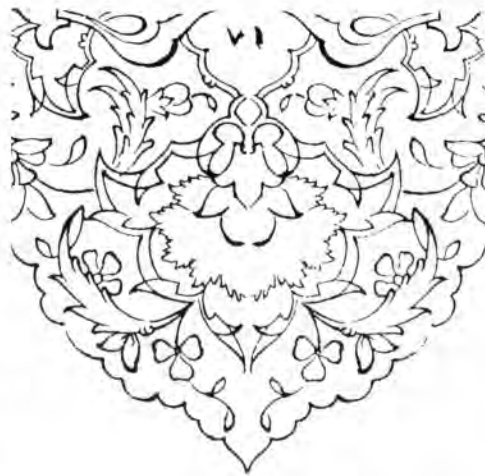
این جمع بندی نشان می‌دهد که چرا اقتصاد نشر ما در جهان دارای موقعیتی دوگانه است. اگر از حیث تعداد عنوانین کتاب مقایسه کنیم، ما در سطح جهانی دارای موقعیت خوبی هستیم، ولی از نظر نسبت تیراژ به جمعیت در سطح جهانی موقعیت نامناسبی داریم.

البته نباید فراموش کرد که طی سال جاری سیاستهایی نظیر خرید کتاب از ناشران که تاکنون رقمی در حدود ۱۰ میلیارد ریال را در بر گرفته است و استفاده از کمک‌های نظام بانکی تا حدی توانسته است یاریگر اقتصاد نشر باشد. اما آنچه در نهایت باید بدان اشاره کرد وضعیتی است که من از آن به تعبیر «تنهایی و بی‌دفاعی» بخش فرهنگی در حوزه نشر یاد می‌کنم. تنهایی به معنای فقدان مشارکت در فرآیند تصمیم سازی‌های اساسی در حوزه اقتصاد فرهنگ و فقدان قدرت چانه زنی سازمان یافته.

مراد من از بی‌دفاعی نیز نبود تسلط بر اهرم‌های اصلی است که کنترل بازار نشر را در دست دارد.

۳- در همان سخنرانی جناب آقای خاتمی به موارد دیگری نظیر گسترش فرهنگ نقد، فعالیت‌های اطلاع‌رسانی درباره کتاب و بهره‌گیری از «شماره استاندارد بین‌المللی کتاب» اشاره شده است که خوشبختانه طی سالهای گذشته از روند مناسبی برخوردار بوده است.

در حوزه اطلاع‌رسانی تاسیس خانه کتاب، چاپ نشریات تخصصی نقد و معرفی کتاب، تاسیس کتاب



◀ در حوزه اطلاع‌رسانی تاسیس خانه کتاب، چاپ نشریات تخصصی نقد و معرفی کتاب، تاسیس کتاب رایانه و پیوستن به شبکه اینترنت نشان از موفقیت نسبی در این بخش دارد. در زمینه نقد نیز برگزاری نشستهای نقد کتاب و نیز فضای عمومی کشور در جهت تضارب آراء نشان دهنده توفیق نسبی در این خصوص است.

رایانه و پیوستن به شبکه اینترنت نشان از موفقیت نسبی در این بخش دارد. در زمینه «نقد» نیز برگزاری نشستهای نقد کتاب و نیز فضای عمومی کشور در جهت تضارب آراء نشان دهنده توفیق نسبی در این خصوص است.

۴- اکنون در آستانه سومین دهه سیاستگذاری در امر فرهنگ و کتاب ضروری است، تجربیات گذشته را مورد بازنگری قرار دهیم. ساز و کارهای نظارتی و هدایتی در عرضه کتاب به میزان زیادی پاسخگوی تحولات پیش گفته در حوزه نشر نیست و باید به چارچوب‌های تازه‌ای اندیشید. دگرگونی در برنامه ریزی و مدیریت، آنگاه امکان‌پذیر است که به خوبی به نقش محوری کتاب و فرهنگ کتابخوانی در کل سیاست فرهنگی کشور واقف باشیم.

سخنان سال گذشته ریاست جمهوری در مراسم کتاب سال به درستی به موقعیت و نقش مبنایی کتاب در اندیشه و فرهنگ جامعه اشاره داشت، اما این امر باید

در چارچوب سیاست فرهنگی اعمال شود. برخلاف تصور رایج در بین برخی از دست اندر کاران فرهنگ، کارکرد نظام تولید، توزیع و عرضه کتاب به ویژه هم‌سو با تحولات در عرضه کتابداری و معنای کتابخانه - به گونه‌ای است که حتی در کشوری نظیر انگلستان در سیاست فرهنگی دهه ۸۰ از نقش محوری کتاب یاد می‌شود و بیش از نیمی از بودجه تخصیصی به فرهنگ در اختیار کتاب قرار می‌گیرد. آنچه در فضای فرهنگی مهم است توجه به نقش محوری کتاب در فعالیتهای فرهنگی است. کتابخانه به عنوان تجسم عملی رفتار کتابخوانی، می‌تواند در مرکز فعالیت فرهنگی قرار گیرد. رشد فضاهای فرهنگی که فعالیتهای مختلف در آن انجام می‌شود، بر محوریت کتابخانه، می‌تواند چنانکه در تعبیر دقیق مقام معظم رهبری آمده است کتاب را به متن زندگی مردم وارد سازد.

علاوه بر این، رشد حرفه‌ها و فعالیتهای مختلف در عرصه تولید و توزیع کتاب، شکل‌گیری نهادها و مراکز مربوط به کتاب، و بطور کلی وجود نقش‌های حرفه‌ای مختلف در زمینه کتاب، سازماندهی، نهادینه سازی و قانونمندی کردن نشر را بیش از پیش ضروری می‌سازد. تقویت نهادها و تشکلهای مستقل و واگذاری بخش‌هایی از فعالیت تصدی‌گری دولت به این تشکلهای از فعالیتهای مهم در این خصوص است. تدوین نظام حقوقی متناسب به منظور دفاع از حقوق اهل قلم و ناشران نیز از ساز و کارهای مهم در جهت حرفه‌ای شدن سازمان نشر کشور است. از اینکه گزارش حاضر به طول انجامید، پوزش می‌طلبم.

در پایان لازم می‌دانم با تبریک به نویسندگان و مترجمان برگزیده سال از داوران ارجمندی که با صبر و حوصله طی ماههای گذشته کار و بررسی کتابهای سال ۱۳۷۶ را به پایان بردند، تشکر و قدردانی کنم. در این دوره همچون دوره‌های گذشته کتابهای چاپ اول سال گذشته به تفکیک طبقه بندی دیویی در ۳۶ کمیته تخصصی بررسی شده‌اند.

انتخاب اولیه کتاب سال از میان ۶۲۶۷ عنوان کتاب چاپ اول صورت گرفته و در نهایت ۴۶۶ عنوان کتاب به مرحله دوم راه یافت. در کمیته‌های بررسی ۴۷۵ نویسنده، محقق و کارشناس از مراکز علمی، فرهنگی و دانشگاهی کشور حضور داشته‌اند. علاوه بر کتابهای برگزیده سال ۲۵ کتاب نیز مورد تقدیر قرار گرفته‌اند.

به منظور اعطای ششمین دوره جایزه جهانی کتاب سال نیز ۱۱۸۷ عنوان کتاب منتشر شده در سال میلادی گذشته در دو حوزه مطالعات اسلامی و مطالعات ایرانی بررسی شده است. ۲۱ نفر از صاحب نظران داخلی و خارجی کار داوری این دوره را انجام داده‌اند که سپاس خود را از زحمات آنان ابراز می‌دارم. بار دیگر، از رئیس جمهوری و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که قبول زحمت فرموده و با حضور در این مجلس اهل فرهنگ را قرین خرسندی کردند، تشکر می‌کنم. توفیق روز افزون حضار محترم را در خدمت به فرهنگ پر بار میهن اسلامی از خداوند آرزو دارم.